

فیل پشت در منتظر است

آیرین لیثم

تصویرگر: جان هالیفیلد

مترجم: پریسا هاشمی طاهری



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



برای دوست خوبم پت که هیچ وقت شک به دلش راه نداد
بالاخره راهی برای گفتن این قصه پیدا می کنم.
و برای لیز و جیم رید، خانواده ی بیرمنگهامی عزیزم
آ.ل

برای خواهرم دبی
برای عشق و حمایتش ممنونم
ج.ه

تقدیم به رفیق جنگجوییم مریم که قلبم در آن سوی آب ها کنار
او می تپد.
پ.ه

MEET MISS FANCY

Text Copyright © 2019 by Irene Latham

Illustrations copyright © 2019 by John Holyfield

**All rights reserved including the right of reproduction in
whole or in part in any form.**

**This edition published by arrangement with G.P. Putnam's
Sons, an imprint of Penguin Young Readers Group, a division
of Penguin Random House LLC.**

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انحصاری انتشار (Copyright)

کتاب MEET MISS FANCY

**به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به
نشر پرتقال است.**



سرشناسه: لیثم، آیرین، ۱۹۷۱ - م.

Latham, Irene, 1971

عنوان و نام پدیدآور: فیل پشت در منتظر است/ نویسنده آیرین لیثم؛ تصویرگر جان هالیفیلد؛ مترجم پریسا هاشمی طاهری.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۲ ص.: مصور (رنگی). ۲۲×۲۹ سم.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۸۷۳-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Meet Miss Fancy, 2019.

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های کودکان آمریکایی

موضوع: Children's stories, American

موضوع: فیل‌ها -- داستان

موضوع: Elephants -- Fiction

شناسه‌ی افزوده: هالیفیلد، جان، تصویرگر

شناسه‌ی افزوده: Holyfield, John

شناسه‌ی افزوده: هاشمی طاهری، پریسا، ۱۳۶۷ - مترجم

رده‌بندی دیویی: ۵۴/۱۳۱۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۶۵۰۹۳۰۶۵

۷۱۳۶۱۰۱



انتشارات پرتقال

فیل پشت در منتظر است

نویسنده: آیرین لیثم

تصویرگر: جان هالیفیلد

مترجم: پریسا هاشمی طاهری

ویراستار: سارا طباطبایی

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: مهدیه عصارزاده

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سجاد قربانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۸۷۳-۰

نوبت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایماژ

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porthaal.com



kids@porthaal.com

فرانک عاشق فیل‌ها بود؛ عاشق نقاشی کشیدن از فیل‌ها و حرف زدن درباره‌ی آن‌ها. عاشق آن خرطوم‌های لوله‌ای، آن گوش‌های بادبزنی، آن پاهای تنه‌درختی و آن دم‌های فش‌فشی بود. اما فرانک حتی یک‌بار هم در عمرش فیل واقعی ندیده بود.





برای همین وقتی مادرش ماجرای خانم فنسی را برایش تعریف کرد از جایش پرید و از صندلی‌اش جست زد پایین. «فکرش را بکن فرانک! یک فیل» آقای رورند بروکس هم گفت: «درست است! خانم فنسی دیگر خسته شده و قرار نیست در سیرک کار کند، به همین خاطر او را می‌آورند به پارک اُون‌دیل»
فرانک که از هیجان نفسش بند آمده بود گفت: «یک فیل؟! اینجا؟» پارک اُون‌دیل فقط دوتا بلوک با خانه‌ی آن‌ها فاصله داشت.
«البته اگر مردم شهر بتوانند پولش را جور کنند. قرار است در همه‌ی مدرسه‌های شهر صندوق جمع‌آوری پول بگذارند. خیلی زود دست‌به‌کار می‌شویم»